یادداشت

آژانس انرژی اتمی، نهاد نظارتی یا بازوی نیابتی متجاوزان؟!

علی‌حسن حیدری
کارشناس سیاسی

از مهم‌ترین پرسش‌هایی که امروز درباره اعتبار نهادهای بین‌المللی مطرح است، این است که آیا نهادهایی که برای تضمین صلح و امنیت جهانی تأسیس شده‌اند، همچنان به مأموریت اصلی خود پایبندند یا به ابزار اعمال فشار قدرت‌های بزرگ تبدیل شده‌اند؟ پرونده هسته‌ای ایران و، به‌ویژه تحولات مربوط به حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای کشور، این پرسش را با جدیت بیشتری پیش روی افکار عمومی قرار داده است. در این میان، عملکرد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نه‌فقط یک موضوع فنی، بلکه آزمونی برای سنجش استقلال، بی‌طرفی و اعتبار نظام نظارت بین‌المللی است.

آژانس بر اساس اساسنامه خود، نهادی تخصصی با مأموریت نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای کشورها، جلوگیری از انحراف مواد هسته‌ای به سمت اهداف نظامی و کمک به توسعه صلح‌آمیز این فناوری است. تحقق این مأموریت، پیش از هر چیز به استقلال حرفه‌ای، بی‌طرفی سیاسی و اعتماد متقابل میان آژانس و اعضای آن وابسته است. بنابراین، وقتی این نهاد از جایگاه یک مرجع فنی مستقل فاصله بگیرد و در معادلات سیاسی و امنیتی قدرت‌ها قرار گیرد، نه‌تنها اعتبار خود را از دست می‌دهد، بلکه فلسفه وجودی آن نیز زیر سؤال می‌رود.

مسئله اصلی در مواجهه آژانس با ایران، صرفاً اختلاف بر سر گزارش‌ها، پرسش‌های فنی یا سطح همکاری‌ها نیست بلکه تناقضی جدی میان مسئولیت‌های نظارتی این نهاد و نحوه مواجهه آن با تحولات امنیتی پیرامون برنامه هسته‌ای ایران است. ایران به‌عنوان عضو معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، از حق استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای برخوردار است و انتظار می‌رود آژانس در بررسی فعالیت‌های آن، میان ملاحظات فنی، اختلافات سیاسی و فشارهای خارجی تفکیک قائل شود. اما ارزیابی‌های فنی و تجربه میدانی جمهوری اسلامی نشان می‌دهد آژانس و، به‌ویژه شخص دبیرکل، همواره مرز میان نظارت حرفه‌ای و اعمال فشار سیاسی را مخدوش کرده‌اند.

این تناقض زمانی آشکارتر می‌شود که موضوع حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران و مسئولیت آژانس در قبال آن مطرح می‌شود. تأسیسات هسته‌ای یک عضو «ان‌پی‌تی»، صرف‌نظر از اختلافات سیاسی کشورها، نباید به اهداف حملات نظامی تبدیل شوند. چنین اقداماتی علاوه بر نقض اصول امنیت بین‌المللی، خطر انتشار مواد پرتوزا، آسیب‌های زیست‌محیطی و تهدید جان انسان‌ها را در پی دارند. از همین رو، انتظار طبیعی آن است که آژانس در برابر تعرض به تأسیسات تحت نظارت خود، موضعی روشن، مستقل و متناسب با مسئولیت‌هایش اتخاذ کند. که این اتفاق نیفتاد.

پرسش اساسی اینجاست که اگر یک نهاد بین‌المللی درباره فعالیت‌های هسته‌ای یک کشور با حساسیت و سخت‌گیری فراوان اظهارنظر کند، اما در برابر حمله نظامی به تأسیسات همان کشور واکنشی متناسب و مؤثر نشان ندهد، چگونه می‌توان از بی‌طرفی آن دفاع کرد؟

از سوی دیگر، زمان‌بندی تحولات نیز پرسش‌های مهمی ایجاد می‌کند. قطعنامه شورای حکام علیه ایران در ۱۲ ژوئن ۲۰۲۵، تنها یک روز پیش از آغاز حملات رژیم اسرائیل تصویب شد. این هم‌زمانی به‌تنهایی می‌تواند اثبات‌کننده هماهنگی آژانس با متجاوزان باشد. این قرابت، این پرسش جدی را مطرح می‌کند که آیا سیاسی‌سازی پرونده هسته‌ای ایران و تشدید فشارهای بین‌المللی، در عمل به ایجاد فضای سیاسی مساعد برای اقدامات نظامی کمک نکرده است؟ به‌ویژه آنکه جمهوری اسلامی ایران پیش‌تر نسبت به پیامدهای امنیتی و سیاسی چنین رویکردهایی هشدار داده بود، و از سوی دبیرکل نادیده گرفته شد.

موضوع نگران‌کننده دیگر، امنیت اطلاعات و محرمانگی همکاری‌های نظارتی است. ایران که اطلاعات حساس تأسیسات و فعالیت‌های هسته‌ای خود را در اختیار یک نهاد بین‌المللی قرار داده است، حق دارد از حفاظت این اطلاعات اطمینان داشته باشد. نمی‌توان از تهران انتظار داشت بازرسی‌ها و نظارت‌های گسترده را بپذیرند، اما نسبت به احتمال بهره‌برداری امنیتی از اطلاعات ارائه‌شده و پیامدهای آن بی‌اعتنا باشند. چنین وضعیتی اعتماد ایران به‌عنوان عضو متعهد آژانس را تضعیف و همکاری فنی را به مسئله‌ای پیچیده و امنیتی تبدیل کرده است.

جمهوری اسلامی ایران در چارچوب تعهدات بین‌المللی خود به کل مسئولیت‌های فنی و حقوقی عمل کرده است، اما آژانس به تعهدات فنی، حقوقی و اطلاعاتی خود عمل نکرد، حتی به‌عنوان کاتالیزور امریکا و اسرائیل برای حمله به مراکز هسته‌ای تحت نظارت شدید آژانس عمل کرد. همان گونه که ایران به تعهدات نظارتی خود پایبند بود، آژانس نیز موظف بود و هست، استقلال، محرمانگی اطلاعات و بی‌طرفی حرفه‌ای را رعایت کند. نمی‌توان از یک طرف اجرای تعهدات را مطالبه کرد، اما در برابر نقض امنیت و حقوق همان طرف، مسئولیت نهاد ناظر را به حاشیه راند. پیامد چنین رویکردی نیز فراتر از پرونده ایران خواهد بود. اگر کشورها به این نتیجه برسند که پذیرش نظارت‌های بین‌المللی و ارائه اطلاعات حساس، نه‌تنها امنیت آنها را تضمین نمی‌کند بلکه ممکن است آسیب‌پذیری‌شان را افزایش دهد، اعتماد به نظام منع اشاعه و انگیزه همکاری با آژانس تضعیف خواهد شد. این نتیجه نه به سود آژانس بعد از دبیرکلی گروسی در آینده است و نه با اهداف امنیت بین‌المللی و نقش ضمانتی آن سازگاری دارد.

آژانس امروز در برابر یک آزمون جدی قرار دارد: بازگشت به مأموریت فنی و مستقل یا ماندن در وضعیت بازیگر نیابتی امریکا و رژیم صهیونیستی. بازسازی اعتبار این نهاد مستلزم بررسی مستقل حملات به تأسیسات هسته‌ای ایران، پیگیری مسئولیت عاملان، تضمین محرمانگی اطلاعات و برخورد یکسان با همه کشورهاست. واقعیت این است که تجربه تلخ ایران نشان داد که نظارت بدون بی‌طرفی به ابزار فشار تبدیل می‌شود و نظارت بدون تضمین امنیت، اعتمادآفرین نخواهد بود و برای این سازمان بین‌المللی ویرانگر خواهد بود، مسئله امروز فقط گزارش‌های آژانس درباره ایران نیست، مسئله این است که آیا هنوز می‌توان به این نهاد به‌عنوان مرجعی مستقل و بی‌طرف اعتماد کرد؟ پاسخ این است که با وجود دبیرکل فعلی که نقش عنصر نیابتی امریکا و اسرائیل را دارد و در کنار متجاوز ایستاده است، خیر.

خبر آخر

سردار شریف خبر داد

روزشمار جنگ ۱۲ روزه آماده نشر

رئیس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و مجاهدت‌های سپاه از فراهم‌سازی مقدمات جمع‌آوری و دسته‌بندی اسناد و روایت‌های مربوط به جنگ‌های تحمیلی ۱۲ و ۴۰ روزه و نبرد هرمز و همچنین تدوین و آماده‌سازی روزشمار روایی و تحلیلی جنگ ۱۲ روزه برای چاپ و نشر در آینده نزدیک خبر داد.

سردار رمضان شریف، مشاور فرمانده کل سپاه و رئیس این مرکز، تصریح کرد: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس در راستای رسالت تاریخی خود، برنامه‌ای منظم برای گردآوری، سازماندهی و تحلیل اسناد و روایت‌های این جنگ‌ها آغاز کرده است و در این مسیر از تجارب راویان پیشکسوت، پژوهشگران و فعالان عرصه تاریخ‌نگاری و همچنین فناوری‌های نوین بهره خواهد گرفت. رئیس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و مجاهدت‌های سپاه، همچنین از تدوین و آماده‌سازی روزشمار روایی و تحلیلی جنگ ۱۲ روزه امریکایی-صهیونیستی خبر داد و گفت: این روزشمار با هدف ارائه تصویری دقیق، مستند و تحلیلی از وقایع این جنگ، مبتنی بر اسناد، مصاحبه‌ها و روایت‌های رسانه‌ای و نیز فرماندهان و نقش‌آفرینان این عرصه تاریخ‌ساز تدوین می‌شود و مقدمات چاپ و نشر آن در آینده نزدیک فراهم خواهد شد.

گزارش

شمار پهپادهای سالم به غنیمت گرفته‌شده از امریکا در تنگه هرمز به ۸ فروند رسید

شکارچیان ایرانی در کمین پهپادهای امریکایی

فرود سالم چهارمین پهپاد MQM-170 امریکایی به دست نیروی دریایی سپاه در محدوده تنگه هرمز، در کنار انهدام یک تیم تروریستی پژاک در مرزهای غربی و اعلام انهدام دو نفتکش متخلف، تصویری از چند جبهه هم‌زمان رویارویی ایران با امریکا و نیروهای همسو با آن ترسیم می‌کند. این تحولات بی‌شک نشان‌دهنده تلاش برای حفظ ابتکار عمل در میدان و تحمیل محدودیت‌های عملیاتی به دشمن امریکایی است؛ وضعیتی که در آن، واشینگتن نه تنها در برابر توانمندی‌های نظامی ایران با چالش مواجه است، که برای حفظ حضور و نفوذ منطقه‌ای خود نیز با مجموعه‌ای از چالش‌ها، ناکامی‌ها و محدودیت‌های فراوان روبه‌رو شده است.



مهم‌ترین اتفاق اعلام‌شده در تحولات اخیر، شکار سالم یک فروند پهپاد MQM-170 ارتش تروریستی امریکا در جنوب جزیره قشم است؛ پهپادی که بنابر اعلام روابط عمومی نیروی دریایی سپاه، با هدف ردیابی و شناسایی سامانه‌های پدافندی و جنگ الکترونیک ایران در محدوده تنگه هرمز فعالیت می‌کرد. این پهپاد در جریان یک عملیات موفق جنگ الکترونیک، پس از آنکه کنترل هدایتش به دست نیروهای ایرانی افتاد، به‌صورت سالم بر زمین نشانده شد. اهمیت این اتفاق تنها به خارج کردن یک پرنده شناسایی از چرخه عملیاتی ارتش امریکا محدود نمی‌شود، بلکه دستیابی به کنترل پهپاد، امکان بررسی تجهیزات، سامانه‌های ارتباطی و قابلیت‌های فنی آن را نیز فراهم می‌کند. نکته قابل توجه آن است که این چهارمین پهپاد از این نوع است که به دست فرماندهی جنگ الکترونیک و پهپاد نیروی دریایی سپاه شکار می‌شود و شمار پهپادهایی که بنا بر اعلام سپاه در محدوده تنگه هرمز به‌صورت سالم به دست آمده‌اند، به هشت فروند رسیده است. این آمار، از تداوم یک توانمندی حکایت دارد، نه یک موفقیت اتفاقی. به‌ویژه آنکه مأموریت پهپاد مورد اشاره، شناسایی سامانه‌های پدافندی و جنگ الکترونیک ایران بوده است؛ مأموریتی که قرار بوده به ارتش امریکا در شناخت نقاط قوت و ضعف دفاعی ایران کمک کند، اما به از دست رفتن وسیله شناسایی و قرار گرفتن آن در اختیار طرف مقابل انجامیده است. از این رو، جنگ الکترونیک به یکی از عرصه‌های مهم رقابت نظامی تبدیل شده است؛ عرصه‌ای که در آن لزوماً برتری به معنای برخورداری از هواگردهای گران‌قیمت‌تر نیست، بلکه توانایی کشف، اخلال، فریب و به دست گرفتن کنترل تجهیزات دشمن می‌تواند موازنه عملیاتی را تغییر دهد.

■ چالش برتری نظامی امریکا با جنگ الکترونیک

سپاه پیش‌تر نیز اعلام کرده بود که پهپادهای پیشرفته‌ای از جمله MQ-9 و MQ-1 و همچنین پهپادهای MQM-170 و لوکاس را رهگیری، منهدم یا بی‌اثر کرده است. مجموعه این موارد، نشان‌دهنده آن است که ورود تجهیزات پیشرفته امریکایی به منطقه لزوماً به معنای تضمین برتری اطلاعاتی و عملیاتی واشینگتن نیست. در کنار شکار پهپاد امریکایی، اعلام برخورد دو نفتکش متخلف با مین‌های دریایی در مسیر جنوبی تنگه هرمز، بعد دیگری از این رویارویی را نشان می‌دهد. روابط عمومی نیروی دریایی سپاه اعلام کرده است این دو نفتکش با خاموش کردن سامانه‌های شناسایی و موقعیت‌یاب و با حمایت ارتش امریکا قصد عبور مخفیانه از مسیر غیرمجاز را داشتند، اما پس از برخورد با مین‌های دریایی دچار انفجار و آتش‌سوزی شدند. بر اساس همین اطلاعیه، یکی از آن‌ها یک نفتکش غول‌پیکر حامل بیش از ۲ میلیون بشکه نفت خام بوده که در نهایت غرق شده است. نیروی دریایی سپاه ضمن هشدار به مالکان نفتکش‌ها، مدیران شرکت‌های کشتیرانی و خدمه شناورها نسبت به نزدیک نشدن به منطقه ممنوعه تنگه هرمز، اخطار کرده که فریب ارتش متجاوز امریکا را نخورند. سپاه تصریح کرده است: تمامی شناورهای ناقض ترتیبات ایرانی تنگه هرمز که وارد منطقه ممنوعه و آلوده می‌شوند، سرنوشتشان این‌گونه خواهد بود.

اهمیت این اتفاق در معادله امنیت دریایی منطقه، صرفاً خسارت واردشده به چند شناور نیست، بلکه مسئله اصلی، چالش بر سر کنترل و مدیریت تردد در یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های انرژی جهان است. تهران با تأکید بر ترتیبات اعلام‌شده برای عبور شناورها، تلاش دارد نشان دهد که حضور ناوگان امریکا و حمایت نظامی واشینگتن از کشتی‌رانی، به‌خودی‌خود نمی‌تواند قواعد مورد نظر ایران را در این آبراه بی‌اثر کند.

■ ناکامی در گشودن جبهه‌های ناامنی

در جبهه‌ای دیگر، انهدام یک تیم وابسته به گروهک پژاک در مرزهای غربی کشور، نشان‌دهنده اهمیت هم‌زمانی اقدامات اطلاعاتی و عملیاتی در تأمین امنیت داخلی است. به گزارش قرارگاه نجف اشرف نیروی زمینی سپاه، این تیم که قصد ورود به خاک ایران و انجام اقدامات تروریستی را داشت، پیش از تحقق هدف خود تحت رصد اطلاعاتی قرار گرفت و در جریان درگیری با نیروهای تیپ تکاور انصارالرسول منهدم شد. مقداری سلاح، تجهیزات و مواد انفجاری نیز از این گروه کشف و ضبط شده است. این عملیات از این جهت اهمیت دارد که در شرایط افزایش فشار نظامی و امنیتی بر ایران، جلوگیری از فعال شدن جبهه‌های ناامنی در مرزها می‌تواند بخشی از محاسبات طرف مقابل را مختل کند. به بیان دیگر، توانایی حفظ اشراف اطلاعاتی در عمق مرزها و مقابله با تحرکات گروه‌های مسلح، مانع از آن می‌شود که فشار خارجی به‌سادگی به بی‌ثباتی در داخل کشور تبدیل شود.

■ ابتکار عمل در میدان

کنار هم قرار گرفتن این تحولات، از تداوم یک الگوی چندلایه در مواجهه ایران با فشارهای امریکا حکایت دارد: مقابله با نفوذ اطلاعاتی و شناسایی هوایی، اعمال کنترل بر تردد دریایی در تنگه هرمز و جلوگیری از تحرک گروه‌های مسلح در مرزهای زمینی.

در این الگو، ایران تلاش می‌کند به‌جای محدود شدن به واکنش در برابر اقدامات طرف مقابل، هزینه و دامنه انتخاب‌های عملیاتی او را افزایش دهد. شکار پهپاد امریکایی در حالی صورت گرفته که مأموریت آن شناسایی توان دفاعی ایران بوده است. برخورد نفتکش‌ها با مین‌های دریایی نیز، پیامد نادیده گرفتن ترتیبات عبور از تنگه هرمز است و عملیات مرزی علیه پژاک نیز مانع از شکل‌گیری یک کانون جدید ناامنی شده است. در واقع، آنچه می‌تواند برای واشینگتن نگران‌کننده باشد، نه فقط از دست دادن یک پهپاد یا آسیب دیدن چند شناور، بلکه دشوارتر شدن اجرای هم‌زمان مأموریت‌های نظامی، اطلاعاتی و امنیتی در منطقه است. امریکا برای حفظ موقعیت خود به شبکه‌ای از پایگاه‌ها، متحدان و نیروهای همسو متکی است؛ اما هرچه دامنه تهدیدها و هزینه‌های عملیاتی افزایش یابد، حفظ این شبکه نیز پیچیده‌تر خواهد شد. به این ترتیب، میدان رویارویی دیگر صرفاً به تقابل مستقیم نظامی محدود نیست، بلکه جنگ الکترونیک، کنترل آبراه‌های راهبردی، امنیت مرزها و مدیریت تحرکات گروه‌های مسلح نیز به اجزای یک معادله واحد تبدیل شده‌اند. ابتکار عمل در چنین میدانی زمانی معنا پیدا می‌کند که طرف مقابل نتواند زمان، مکان و هزینه اقدامات خود را با اطمینان تعیین کند، وضعیتی که تحولات اخیر، نشانه‌هایی از شکل‌گیری آن را به نمایش گذاشته است. معرکه پیچیده و سردرگمی که ترامپ با تحریک نتانیاهو به آن پا نهاد و اکنون هرچه در این باتلاق تقلا می‌کند، بیشتر فرو می‌رود.

قضایی

رئیس قوه قضائیه در نشست شورای عالی قضایی دستور داد

سازمان بازرسی مأمور تهیه فهرست شرکت‌های زیان‌ده

رئیس قوه قضائیه سازمان بازرسی کل کشور را موظف کرد هرچه سریع‌تر گزارش جامعی از وضعیت شرکت‌های دولتی و فهرست شرکت‌های زیان‌ده را تهیه و ارائه کند.

حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای در نشست شورای عالی قضایی، با اشاره به ۲۶۰ شب میدان‌داری ملت مبعوث اظهار کرد: بعثت ملت ما یک معجزه و عنایت الهی بود و قریب به ۹ ماه است که مردم، بدون وقفه میدان‌داری می‌کنند. به گفته وی، مقاومت، پایداری، جهاد تبیین و دشمن‌شناسی ملت، نشأت‌گرفته از نهضت مقدس فاطمی است. رئیس قوه قضائیه با بیان اینکه کارگزاران و نهادهای نظام در برابر ملت مبعوث تکلیف و وظیفه دارند، گفت: حداقل‌ترین کار آن است که سخن این ملت را بشنویم و به خواسته‌های بحق آنان جامه عمل بپوشانیم. وی بر تلاش مضاعف برای رفع مشکلات مردم و جلوگیری از نفوذ دشمنان و منافقان در صفوف به‌هم‌پیوسته ملت تأکید کرد.

محسنی‌اژه‌ای تصریح کرد: بخش مهمی از استیصال و یأس دشمن متجاوز، ناشی از حضور در صحنه و میدان‌داری ملت مبعوث است؛ بنابراین همه کارگزاران و خادمان مردم باید مراقب الفاظ و اعمال خود باشند و از هر آنچه موجب ناامیدی مردم و از بین رفتن امید، صبر و استقامت آنان می‌شود، پرهیز کنند. رئیس دستگاه قضا در ادامه رئیس سازمان بازرسی کل کشور را مأمور کرد هرچه سریع‌تر گزارش جامعی از وضعیت شرکت‌های دولتی و شرکت‌های زیان‌ده ارائه دهد. وی تأکید کرد این موضوع نباید با گذشت زمان به دست فراموشی سپرده شود و باید با جدیت تا حصول نتیجه دنبال شود. به گفته محسنی‌اژه‌ای، مطلوب است بخش‌هایی از این گزارش نیز به اطلاع مردم برسد. وی در دستور دیگری خطاب به دادستان کل کشور، بر اجرای دقیق و جامع دستورالعمل کاهش جمعیت کیفری تأکید کرد و گفت: مجرمی که حضورش در اجتماع مضر است، باید در زندان بماند، اما در مواردی که ضرورتی وجود ندارد، باید از زندانی کردن افراد پرهیز شود. رئیس قوه قضائیه با اشاره به قرارهای منجر به بازداشت گفت: وقتی ضرورتی وجود ندارد، نباید برای متهم قرار بازداشت صادر کرد یا سایر قرارها به‌گونه‌ای صادر شوند که در نهایت به بازداشت او منجر شوند. وی خاطرنشان کرد حتی یک شب بازداشت نیز برای بسیاری از افراد جامعه تبعات و عوارض به همراه دارد. محسنی‌اژه‌ای همچنین بر استمرار سرکشی و بازدید مسئولان قضایی از زندان‌ها تأکید کرد و خواستار توجه به اعمال تأسیسات ارفاقی برای زندانیان واجد شرایط و پالایش زندانیان شد تا فرد بی‌گناه یا کم‌گناه به ناحق در زندان نماند. وی تأکید کرد: اگر یک مجرم اشتباهاً آزاد شود، بهتر است تا یک فرد بی‌گناه یا کم‌گناه در زندان بماند.

رئیس عدلیه در ادامه با اشاره به کاهش حجم پرونده‌های کثیرالشاکی، بر ضرورت آسیب‌شناسی این پرونده‌ها تأکید کرد و گفت تشکیل دوباره پرونده‌ای با همان موضوع پس از مختومه شدن یک پرونده کثیرالشاکی، قابل قبول نیست. وی خواستار افزایش اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی عمومی برای جلوگیری از فریب مردم توسط کلاهبرداران شد و اعلام کرد قوه قضائیه آمادگی دارد محتویات قابل انتشار این پرونده‌ها را در چارچوب قانون در اختیار فیلم‌سازان و مستندسازان قرار دهد. محسنی‌اژه‌ای همچنین معاونت قضایی، معاونت حقوقی و معاونت نظارت دیوان عالی کشور را مأمور آسیب‌شناسی پرونده‌هایی کرد که با نقایص و نقض‌های مکرر مواجه‌اند و درخواست‌های اعمال مواد ۴۷۴ و ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری درباره آنها مطرح می‌شود. وی تأکید کرد نقص مکرر کیفرخواست یا نقض پی‌درپی آرای دادگاه بدوی در مراجع تجدیدنظر و دیوان عالی، نشان‌دهنده خلل و آسیبی است که باید برطرف شود. رئیس قوه قضائیه در بخش دیگری از دستورات خود، دادستان کل کشور، رئیس کل دادگستری و دادستان تهران را مأمور کرد با همکاری معاونت بین‌الملل قوه قضائیه و مرکز وکلا، پرونده‌های مرتبط با جنایات امریکا و رژیم صهیونیستی علیه ملت ایران را با جدیت در مراجع داخلی و بین‌المللی پیگیری کنند. وی در پایان بر روزآمدسازی سند تحول قضایی و ضرورت شتاب در این زمینه، همراه با دقت و جامع‌نگری، تأکید کرد.

ویژه

فیگارو: پهلوی ابزار اسرائیل برای جلب حمایت ترامپ علیه ایران بود

روزنامه فرانسوی لو فیگارو در گزارشی تحقیقی که دهم بهمن سال گذشته منتشر شده، از فعالیت شبکه‌ای از حساب‌های جعلی و کارزارهای هماهنگ در شبکه اجتماعی X پرده برداشته که با محوریت تبلیغ رضا پهلوی و تأثیرگذاری بر افکار عمومی ایران و محاسبات سیاسی امریکا فعالیت می‌کنند. یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از فعالیت‌های ظاهراً مردمی در حمایت از پهلوی، با رفتارهای غیرعادی حساب‌های کاربری و الگوهای سازمان‌یافته انتشار و بازنشر محتوا همراه است؛ موضوعی که به گفته پژوهشگران، احتمال دخالت یک بازیگر دولتی را مطرح می‌کند.

بر اساس داده‌های مؤسسه تحقیقاتی Social Forensics که در گزارش فیگارو مورد استناد قرار گرفته، ۴ هزار و ۷۶۵ حساب کاربری با انتشار بیش از ۱۰۰ پیام در روز، در مجموع ۸۴۳ میلیون پیام تولید کرده‌اند. همچنین ۱۱ هزار و ۴۲۱ حساب با تعاملات غیرعادی، یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون لایک ثبت کرده‌اند و ۸ هزار و ۸۳۰ حساب نیز بارها نام کاربری خود را تغییر داده‌اند. این حجم از فعالیت و الگوهای غیرعادی تعامل، از جمله نشانه‌هایی است که در شناسایی شبکه‌های سازمان‌یافته و عملیات دست‌کاری افکار عمومی مورد توجه قرار می‌گیرد.

جف گلدبرگ، بنیان‌گذار Social Forensics، پیچیدگی و گستردگی دست‌کاری‌های مشاهده‌شده در فضای فارسی‌زبان را نشانه دخالت یک بازیگر دولتی ارزیابی کرده است. یکی از محورهای این فعالیت‌ها، استفاده از نماد تاج برای تقویت محتوای سلطنت‌طلبانه و ایجاد تصور حمایت گسترده از رضا پهلوی است. برآورد این مؤسسه نشان می‌دهد بیش از ۹۵ درصد حساب‌هایی که از ایموجی تاج استفاده می‌کنند، جعلی هستند. این شیوه در مطالعات رسانه‌ای با عنوان «آستروترفینگ» شناخته می‌شود؛ روشی که در آن با استفاده از حساب‌های ساختگی و تعاملات هماهنگ، تصویری مصنوعی از یک مطالبه یا حمایت اجتماعی گسترده ایجاد می‌شود. در چنین شرایطی، افزایش لایک‌ها، بازنشرها و پیام‌های مشابه می‌تواند این تصور را به مخاطب منتقل کند که یک جریان سیاسی از پایگاه اجتماعی وسیعی برخوردار است، درحالی که بخشی از این حجم فعالیت، حاصل سازمان‌دهی و تقویت مصنوعی محتواست.

گزارش فیگارو همچنین به نقش چهره‌هایی مانند حنانیا نفتالی، مشاور دیجیتال بنیامین نتانیاهو، در بازنشر و تقویت پیام‌های مرتبط اشاره می‌کند. در این چارچوب، فعالیت شرکت‌های خصوصی اسرائیلی مانند Black Cube و Cyabra نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ شرکت‌هایی که با نیروهای دارای سابقه فعالیت در ساختارهای اطلاعاتی اسرائیل ارتباط دارند. البته این موارد به‌تنهایی اثبات‌کننده مشارکت مستقیم این شرکت‌ها یا موساد در اداره حساب‌های شناسایی‌شده نیست. ابعاد دیگری از این عملیات در گزارش تحقیقی مرکز Citizen Lab دانشگاه تورنتو آشکار شده است. این مرکز در تحقیق خود درباره شبکه‌ای موسوم به PRISONBREAK، بیش از ۵۰ حساب جعلی در شبکه X را شناسایی کرده که با استفاده از هوش مصنوعی و انتشار پیام‌های هماهنگ، مخاطبان ایرانی را به اقدام علیه جمهوری اسلامی تحریک می‌کردند. پژوهشگران با بررسی زمان فعالیت حساب‌ها، محتوای منتشرشده و هم‌زمانی آن با حملات نظامی اسرائیل در جنگ ۱۲روزه، دخالت یک نهاد ناشناس از دولت اسرائیل یا پیمانکاری تحت نظارت نزدیک آن را محتمل‌ترین فرضیه دانسته‌اند. انتشار ویدئوی جعلی حمله به زندان اوین، فراخوان برای حرکت به سمت این زندان و کارزار موسوم به «فریاد ساعت هشت» از جمله نمونه‌های مستندشده در این تحقیق است. این شبکه همچنین با انتشار محتواهایی درباره بحران اقتصادی، کمبود آب و انرژی و نارضایتی‌های اجتماعی، تلاش کرده است بر برداشت مخاطبان ایرانی از وضعیت کشور تأثیر بگذارد.

نکته مهم دیگر، هدف‌گذاری این فعالیت‌ها برای تأثیرگذاری بر محاسبات سیاسی امریکا است. در گزارش فیگارو به حساب‌هایی اشاره شده که پیام‌های خود را مستقیماً خطاب به دونالد ترامپ منتشر می‌کنند و خواستار اقدام علیه ایران و حمایت از رضا پهلوی هستند. به این ترتیب، تبلیغ پهلوی در فضای مجازی تنها به مخاطب ایرانی محدود نمی‌شود، بلکه بخشی از آن با هدف جلب حمایت سیاسی واشینگتن و تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیرندگان امریکایی دنبال می‌شود. مجموع این یافته‌ها از وجود کارزارهایی حکایت دارد که با بهره‌گیری از حساب‌های جعلی، محتوای دست‌کاری‌شده و تعاملات هماهنگ، در پی تقویت یک روایت سیاسی مشخص درباره آینده ایران هستند؛ روایتی که رضا پهلوی را در مرکز خود قرار می‌دهد و هم‌زمان می‌کوشد افکار عمومی ایران و محاسبات سیاسی امریکا را تحت تأثیر قرار دهد. با این حال، شواهد منتشرشده، دخالت احتمالی ساختار دولتی اسرائیل (بخوانید موساد) را تقویت می‌کند.

یادداشت

قاعده نفی سبیل پیش‌نیاز تمدن بزرگ اسلامی

سیدعبدالله متولیان
کارشناس سیاسی

قاعده قرآنی «نفی سبیل» از پایه‌های شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی و گام پنجم از مراحل پنج‌گانه تحقق اهداف انقلاب اسلامی است. ایران تنها کشور در جهان اسلام است که قاعده نفی سبیل را در عمل اجرا کرده و مطلقاً زیر سلطه کافران نرفته است. بر اساس این قاعده، تمدنی که بر عزت و اراده ملت‌های مسلمان استوار شود، نمی‌تواند در امنیت، اقتصاد، سیاست و فرهنگ به کافران و قدرت‌هایی وابسته بماند که منافع خود را بر سرنوشت دیگران تحمیل می‌کنند.

هراس نظام سلطه از ایران فقط به مقاومت، استقلال، تاب‌آوری همه‌جانبه و قدرت دفاعی آن مربوط نیست؛ نگرانی اصلی استکبار از کشوری است که نفی سبیل را به تجربه موفق حکمرانی و الگویی برای ظلم‌ستیزی و مقابله با سلطه‌گران تبدیل کرده و الهام‌بخش جنبش بیداری ملت‌های مسلمان شده است. جلوگیری از سرایت تجربه ایران به جهان اسلام و ممانعت از شکل‌گیری قاعده نفی سبیل در کشورهای مسلمان، علت اصلی قشون‌کشی بزرگ‌ترین ائتلاف نظامی، اقتصادی، امنیتی و رسانه‌ای جهان در غرب آسیا است.

قاعده نفی سبیل یعنی هیچ قدرت غیرمسلمان نباید بر اراده و سرنوشت جامعه مسلمان مسلط شود. آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» نه به معنای انزوا و قطع رابطه با جهان، بلکه مرز میان تعامل از موضع انتخاب و رابطه از موضع اجبار است. کشور مستقل می‌تواند و باید با سایر کشورها تعامل و همکاری کند، اما حق تصمیم‌گیری درباره منافع حیاتی خود را نباید به کافران واگذار کند.

انقلاب اسلامی ایران این قاعده را از ساحت اندیشه به میدان عمل آورده است. کشوری که پیش از انقلاب در نظم امنیتی امریکا در منطقه تعریف شده و کمترین نشانه استقلال هم در اداره ایران دیده نمی‌شد، با وقوع انقلاب اسلامی اعلام کرد درباره سرنوشت خود از هیچ قدرتی اجازه نمی‌گیرد. نیم قرن تلاش دشمنان برای به زانو درآوردن ایران تمدنی، از جنگ تحمیلی هشت‌ساله تا کودتاها، تحریم‌ها و تهدیدها، و از فشارهای سیاسی و فناورانه تا انواع فتنه‌های تجزیه‌طلبان و جنگ رسانه‌ای، همه و همه هزینه تحقق قاعده نفی سبیل است. و حالا که جمهوری اسلامی ایران به گفته رسانه‌های نظام سلطه به عنوان چهارمین قدرت جهانی همه هیمنه نظام سلطه را درهم شکسته، این پرسش پیش روی ملت‌های مسلمان است که اگر ایران توانسته زیر فشار، حق انتخاب خود را حفظ کرده و پیروز میدان نبرد باشد، چرا دیگر ملت‌های مسلمان نتوانند؟

اینجاست که نفی سبیل با تمدن نوین اسلامی پیوند می‌خورد. تمدن، صرفاً مجموعه‌ای از دولت‌ها یا نمادهای دینی نیست؛ نظمی از دانش، اقتصاد، قدرت، فرهنگ و مناسبات سیاسی است که بتواند بر پای خود بایستد و مسیر آینده را تعیین و تضمین کند. جهان اسلام تا زمانی که امنیتش را از بیگانگان بخرد، اقتصادش را به امتیازهای تحمیلی گره بزند و در فناوری و تصمیم‌های راهبردی تابع دستورات سلطه‌گران بماند، از ظرفیت تمدنی خود فاصله دارد. نفی سبیل، «شرط رهایی از وابستگی»، «مقدمه هم‌افزایی ملت‌های مسلمان»، «پایان قیمومیت نظام سلطه» و «پیش‌شرط تحقق تمدن نوین اسلامی» است.

و اما اینک رسالت جمهوری اسلامی این است که الگوی نفی سبیل را در قاب تاب‌آوری جامع و استقلال در تمامی حوزه‌ها و عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به نمایش بگذارد و در درون حاکمیت دولت اسلامی، با عدالتخواهی، مبارزه با فساد، رانت، تبعیض، قاچاق و... امنیت، آرامش و رفاه را بر سر سفره مردم بیاورد. الگوی ایران، زمانی الهام‌بخش‌تر می‌شود که نشان دهد استقلال، نه فقط امکان ایستادگی، که توان ساختن جامعه‌ای پیشرفته و عادلانه را نیز فراهم می‌کند. رسالت ایران اسلامی، پاسداری از استقلال و ارتقای آن به الگویی از پیشرفت و عدالت است؛ الگویی که ملت‌های مسلمان را به توان تاریخی خود امیدوار کند. اگر نفی سبیل در ایران به تجربه‌ای پایدار و در جهان اسلام به اراده‌ای مشترک تبدیل شود، مناسبات سلطه با بحرانی عمیق روبه‌رو خواهد شد: ملت‌هایی که دیگر سرنوشت خود را به مستکبران نمی‌سپارند. آن روز، سخن فقط از استقلال ایران نیست؛ از تحقق یکی از بنیادی‌ترین شرط‌های تولد تمدنی است که جهان اسلام بتواند با هویت، قدرت و اراده خود در جهان حضور یابد. هراس نظام سلطه از همین افق است: ایرانی که تنها نمی‌ماند، بلکه راهی می‌گشاید تا دیگر ملت‌ها نیز بتوانند در آن قدم بگذارند.

گزیده خبر

مقتدایی با انتقاد از بی‌عملی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی:

حق ایران برای هر اقدام متناسب با منافع ملی محفوظ است

نایب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس با انتقاد از سکوت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در برابر حمله امریکا و رژیم صهیونیستی به تأسیسات هسته‌ای ایران، گفت: ایران همواره به تعهدات خود در قبال آژانس عمل کرده اما این نهاد در انجام وظایف خود کوتاهی کرده است.

عباس مقتدایی در گفت‌وگو با خانه ملت در واکنش به سکوت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در برابر حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران، گفت: اکنون ضرورت احقاق حقوق کشورهایی که عضو آژانس هستند، بیش از گذشته آشکار شده است زیرا ایران با وجود همکاری و پایبندی به تعهدات خود، در عمل با بی‌توجهی آژانس و نقض تعهداتی مواجه شده که این نهاد در قبال کشورمان بر عهده داشته است. وی ادامه داد: در جریان حمله امریکا و رژیم صهیونیستی به تأسیسات هسته‌ای ایران، کمترین اقدامی که آژانس می‌توانست انجام دهد، محکوم کردن این حمله بود اما متأسفانه چنین اقدامی نیز از سوی این نهاد صورت نگرفت. همچنین از سوی دیگر برخی اطلاعات مربوط به اماکن و تأسیسات هسته‌ای کشورمان در اختیار افرادی خارج از مجموعه آژانس قرار گرفته که این موضوع شبهه جاسوسی و حتی انحراف در عملکرد آژانس را به وجود می‌آورد.

نایب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: اکنون در نقطه‌ای قرار داریم که آژانس باید به تکالیف و وظایفی که در قبال اعضای خود بر عهده دارد، عمل کند؛ البته مطالبه دیگری نیز از این نهاد داریم زیرا با توجه به اینکه تاکنون وضعیت مشابهی برای تأسیسات هسته‌ای یک کشور عضو آژانس به وجود نیامده و این تأسیسات هدف بمباران قرار گرفته‌اند، پروتکل مشخصی برای نحوه همکاری و بازرسی از چنین مراکزی وجود ندارد. آژانس باید در این شرایط، پروتکل‌های لازم را تعریف کند تا مطالبات ایران نیز در این چارچوب مورد توجه قرار گیرد و مشخص شود که چگونه می‌توان به تأسیساتی که مورد حمله قرار گرفته و اکنون در وضعیت ناایمن قرار دارند، ورود کرد. ما از نظر ایمنی و امنیتی با محدودیت‌ها و ملاحظاتی مواجه هستیم و از سوی دیگر، آژانس نیز نتوانسته است منافع ملت ایران را تأمین کند؛ بنابراین از نظر فنی، قانونی و حقوق بین‌الملل در موقعیتی قرار داریم که می‌توانیم حقوق خود را مطالبه کنیم و آژانس باید به وظایفش عمل کند. البته تأسیساتی مانند نیروگاه بوشهر و مجموعه‌هایی که فعالیت آنها تحت نظارت آژانس انجام می‌شود، همچنان از همکاری‌های لازم در زمینه بازرسی‌های دوره‌ای برخوردارند و جمهوری اسلامی ایران نیز به‌عنوان عضوی مسئولیت‌شناس، همکاری‌های خود را در این زمینه ادامه می‌دهد. نماینده مردم اصفهان در مجلس شورای اسلامی خاطرنشان کرد: این همکاری به معنای آن نیست که در تأسیسات هسته‌ای ایران به روی آژانس باز باشد تا هر اقدامی را که می‌خواهد انجام دهد؛ ما در چارچوب مقررات و ضوابط مشخص و قانونی عمل می‌کنیم و حق خود را برای اتخاذ هرگونه اقدام متناسب با منافع ملی و حقوق ملت ایران محفوظ می‌دانیم.